



خوف پیامبر در آیه ابلاغ (شبهه)

ذخیره مقاله با فرمت پی دی اف

آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» در مورد ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نازل شده و طبق آن پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مامور به ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) شده بود. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از ابلاغ این پیام الهی به این جهت که مردم به او تهمت زده و نسبت دروغ دهند و بگویند، پسر عموی خود را معرفی نموده، خوفناک بوده است، لذا اهل سنت اشکال گرفته اند که نسبت خوف به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در ابلاغ وحی الهی، اهانت به ایشان است. در این نوشتار این شبهه را بررسی خواهیم کرد.

۲.۱ - اشکال نقضی به اهل سنت

چقدر پسندیده می‌بود، وقتی کسی اشکالی را نثار دیگری می‌ساخت، ابتدا خود را واری می‌نمود تا همان اشکال در خودش یافت نگردد.

اگر شیعه با توجه به روایات **معصومین**

(علیهم‌السلام)، اکمال دین را مرهون ابلاغ ولایت

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) دانسته و قائل به خوف

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از تفرقه داخلی شده

است، دقیقاً منابع اهل سنت، نیز حاوی روایاتی به

مضامین ذیل می‌باشند:

الف: آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» در

مورد ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نازل شده

و طبق آن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مامور به

ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) شده است.

ب: پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از ابلاغ این پیام

الهی به این جهت که مردم به او تهمت زده و نسبت

دروغ دهند و بگویند، پسر عموی خود را معرفی نموده،

خوفناک بوده است.

حاکم حسکانی حنفی که از علمای سرشناس اهل

سنت در **قرن پنجم** می‌باشد، اکثر این روایات را در

کتاب معروف خود، **شواهد التنزیل**، جمع‌آوری و نقل

نموده است و بسیار شایسته است که قبل از ارائه این

روایات، به جایگاه نویسنده کتاب در میان اهل سنت

قبل از ورود به بخش پاسخ، توجه به نکته زیر، الزامی است:

خوف و خشیت، همانند بسیاری از خصلت‌های انسانی همچون **تواضع** و **صبر** و نگرانی و... از اموری است که دو بُعد و دو جهت متضاد دارند، یعنی یک جهت آن ممدوح و جهت دیگر آن مذموم می‌باشد.

به عبارت دیگر این امور، صرفاً خوب و یا صرفاً زشت نیستند بلکه در مواردی خوب و در مواردی ناپسند می‌باشند، مثلاً صبر و تحمل در مقابل انگیزه‌های معصیت‌زا درونی و بیرونی، بسیار نیکو ولی در مقابل **ظلم** به دیگران با امکان دفاع از مظلوم، بسیار ناپسند می‌باشد، خوف و ترس نیز از همین‌گونه است اگر منشأ آن زبونی و خواری نفس باشد که در اصطلاح به آن «جُبْن» می‌گویند، خصلتی ناپسند بوده و از ساحت **انبیاء الهی** و به خصوص رسول خدا

(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دور است زیرا در بحران غزوات آن‌گاه که کار نبرد درهم می‌پیچید، آن‌که پناه همگان و حتی پناه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بود، پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود، اما اگر منشأ خوف دلسوزی (مثل ترس مادر از آینده فرزندش) و یا امری عقلایی (مثل تجهیز سپاه در مقابل دشمن) باشد، بسیار نیکو و پسندیده خواهد بود.

[ویرایش]

۱ - شبهه

شیعیان می‌گویند: پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از ابلاغ ولایت امیرالمومنین (علیه‌السلام)، خوف داشت، لذا خداوند او را مورد عتاب قرار داده و فرمود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (ای پیامبر آنچه را که از سوی خدا بر تو نازل شده، ابلاغ کن) و نسبت خوف به رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در ابلاغ وحی الهی، اهانت به ایشان است. همان‌گونه که فاروقی می‌نویسد:

الشيعة تتهم النبي (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بانه كان يخاف من تبليغ ولاية عليّ.

شیعه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را متهم می‌کند به این‌که از تبلیغ ولایت علی (علیه‌السلام) خوفناک بود. [۱]

[ویرایش]

۲ - نقد و بررسی

قبل از ورود به بخش پاسخ، توجه به نکته زیر، الزامی است:

خوف و خشیت، همانند بسیاری از خصلت‌های انسانی همچون تواضع و صبر و نگرانی و... از اموری است که دو بُعد و دو جهت متضاد دارند، یعنی یک جهت آن

روایات او از نظر محتوایی به دو بخش، تقسیم پذیرند
که عبارتند از:

۲.۱.۳ - نزول آیه ابلاغ در مورد ابلاغ ولایت علی

در این بخش احادیثی مدنظر قرار دارند، که به صراحت دلالت دارند که آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» در مورد امیرالمؤمنین (علیه السلام) نازل شده است و این که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با نزول این آیه در **غدیر خم**، مامور به ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) گردید.
حاکم حسکانی پنج روایات با این مضامین، از پنج تن از **صحابه** پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل نموده است که عبارتند از:

۲.۱.۳.۱ - روایت ابوسعید خدری

اخبرنا ابو عبدالله الدينورى قراءة حدثنا احمد بن محمد بن اسحاق السنى قال: اخبرنى عبد الرحمان بن حمدان، قال: حدثنا محمد بن عثمان العبسى قال: حدثنا ابراهيم بن محمد بن ميمون، قال: حدثنا على بن عابس، عن الاعمش عن ابى الجحاف (داود بن ابى عوف) عن عطية: عن ابى سعيد الخدرى قال: نزلت هذه الآية فى على بن ابى طالب: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا

او حسکانی، قاضی و محدث، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن حسکان قرشی عامری نيسابوری حنفی حاکم و معروف به ابن حذاء است، که حافظ و شیخی متقن و دارای عنایتی تمام به علم حدیث بوده است... [۳] [۴]

و نیز شاگرد مبرز او، **عبدالغافر بن اسماعیل** در کتاب **السیاق** خود، در مورد استادش چنین می‌گوید:
ابو القاسم الحسکانی الحذاء:

عبیدالله بن عبدالله بن احمد بن احمد بن محمد بن حسکان ابو القاسم الحذاء الحافظ المتقن من اصحاب ابی حنیفة فاضل مسن من بیت العلم والوعظ والحدیث...

ابوالقاسم حسکانی حذاء:
او عبیدالله بن عبدالله بن احمد بن احمد بن محمد بن حسکان، ابوالقاسم حذاء است که حافظ و از پیروان متقن **ابوحنیفه** و فاضلی مسن از خانواده علم و موعظه و حدیث بوده است... [۵]

۲.۱.۲ - روایات حاکم

پس از نگاهی کوتاه به جایگاه والای او در میان اهل سنت، اکنون نوبت آن رسیده که به بررسی روایات او

۲.۱.۱ - جایگاه حاکم حسکانی

او در میان جامعه اهل سنت از جایگاه ممتازی برخوردار است از جمله **ذهبی** رجالی سرشناس اهل سنت، او را چنین معرفی می‌نماید:

الامام المحدث البارع القاضي ابو القاسم عبیدالله بن عبد الله ابن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن حسان القرشي العامري النيسابوري الحنفي الحاكم...

او امام، محدث، دانشمند، قاضی ابو القاسم عبیدالله بن عبد الله ابن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن حسان قرشی عامری نيسابوری حنفی و حاکم است...

[۲]

تعبیر امام در مورد او به خوبی از جایگاه ممتاز حاکم حسکانی خبر می‌دهد.

همچنین ذهبی در کتاب **تذکره الحفاظ** و **سیوطی** در کتاب **طبقات الحفاظ** درباره او چنین می‌نویسند:

الحسکانی القاضی المحدث ابو القاسم عبید الله بن عبد الله بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن حسان القرشي العامري النيسابوري الحنفي الحاكم ويعرف بابن الحذاء الحافظ شيخ متقن ذو عناية تامة بعلم الحديث...

رِسَالَتُهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ».

... ابوهریره از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت کرده که فرمود: «وقتی به آسمان سیر نمودم، در زیر عرش الهی چنین شنیدم، علی پرچم هدایت و دوستدار کسی است که به من ایمان آورد، ای محمد! این را ابلاغ کن، ابوهریره در ادامه گفت: وقتی که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بازگشت، آن را مخفی ساخت لذا خداوند (عزوجل) این آیه را «ای پیامبر آنچه را که از سوی خدا بر تو نازل شده، ابلاغ کن» در مورد علی بن ابی طالب نازل نمود و این که «و اگر ابلاغ نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد». [۹]

۲.۱.۳.۴ - روایت ابن ابی اوفی

اخبرنا ابو بکر السکری قال: اخبرنا ابو عمرو المقری قال: اخبرنا الحسن بن سفیان، قال: حدثني احمد بن ازهر قال: حدثنا عبد الرحمان بن عمرو بن جبلة، قال: حدثنا عمر بن نعیم بن عمر بن قیس الماصر، قال: سمعت جدی قال: حدثنا عبدالله بن ابی اوفی قال: سمعت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) يقول / ۴۶ / ب / يوم غدیر خم وتلا هذه الآية: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» ثم رفع

علی را گرفت و فرمود: «هرکه من مولای اویم، علی
مولای اوست». [۷]

اخبرنا السيد ابو الحسن محمد بن (علی بن) الحسين
الحسنی رحمه الله قراءة اخبرنا الحاكم ابو عبدالله
الحافظ جملة، (قال: اخبرنا) علی بن عبد الرحمان بن
عیسی الدهقان بالكوفة، قال: حدثنا الحسين بن
الحکم الحبری قال: حدثنا الحسن بن الحسين العرنی
قال: حدثنا حبان بن علی العنزى قال: حدثنا الكلبي
عن ابي صالح: عن ابن عباس فى قوله (عزّوجلّ): «أَيُّهَا
الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» الآية نزلت فى
علی، امر رسول الله (صلی الله علیه) ان يبلغ فيه،
فاخذ رسول الله بيد علی فقال: «من كنت مولاه فعلى
مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه».

... ابو صالح از ابن عباس روایت نموده در مورد این
سخن خداوند (عزّوجلّ): «ای پیامبر آنچه را که از سوی
خدا بر تو نازل شده، ابلاغ کن» که گفت: در مورد علی
نازل شد و پیامبر را به تبلیغ آن نمود پس پیامبر دست
علی را گرفت و فرمود: «هرکه من مولای اویم، علی
مولای اوست». [۸]

۲.۱.۳.۳ - روایت ابوهریره

... ابوسعید خُدَری (صحابی رسول خدا) گفت: : در
شان **علی بن ابی طالب** این آیه «ای پیامبر آنچه را که
از سوی **خدا** بر تو نازل شده، ابلاغ کن» نازل شد. [۶]

۲.۱.۳.۲ - روایت ابن عباس

وبه حدثنی الحبری قال: حدثنا حسن بن حسین، قال:
حدثنا حبان، عن الكلبي عن ابي صالح: عن ابن عباس
فی قوله: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ الْمَاءِدَةُ/۵۵» نزلت
فی علیّ خاصة وقوله: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ
آمَنُوا الْمَاءِدَةُ/۵۶» فی علیّ و قوله: «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ
مِنْ رَبِّكَ» نزلت فی علیّ، امر رسول الله ان يبلغ فيه
فاخذ بيد علی وقال: «من كنت مولاه فعلى مولاه».

... و ابوصالح از **ابن عباس** در مورد **شان نزول** این آیه:
«سرپرست و **ولی** شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها
که **ایمان** آورده‌اند همانها که **نماز** را برپا می‌دارند، و در
حال **رکوع**، **زکات** می‌دهند» روایت نموده که فقط در
شان علیّ نازل شده است و همچنین از آیه «و کسانی
که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند» در
مورد علیّ نازل شده است و نیز آیه: «آنچه را که از
سوی خدا بر تو نازل شده، ابلاغ کن» در مورد علیّ نازل
گشته و پیامبر را به تبلیغ آن امر نمود پس پیامبر دست